

ابویزید طیفور بسطامی می گفت: زاهد کسی نیست که چیزی ندارد، زاهد کسی است که چیزی مالک او نیست.

قوت القلوب

ابوطالب مکی

جزوه درس فعالیتهای پرورشی و اجتماعی-دانشگاه فرهنگیان واحد میرشاکلی الیگودرز

تهیه و تدریس: اردشیر محمودی

مقدمه:

پرورش در لغت یعنی تربیت و رشد کردن و بوجود آمدن می باشد و در اصطلاح «پرورشی» علمی است که موجب شناخت استعدادهای پنهان دانش آموزان در همه ابعاد زندگی می گردد. پرورشی علاوه بر بعد دین و معنویت به سایر ابعاد زندگی مانند ابعاد فرهنگی هنری، اجتماعی، سیاسی، اقتصادی و... توجه می کند و موجب سازندگی فرد در محیط خود و اجتماع می شود. پرورش در دوران سنت به بر عده نهادهای سنتی مانند خانواده و ایل و قبیله و نیز نهادهای دینی مانند مکتبخانه، مساجد و فرقه های عرفانی در خانقاه ها بوده است و فرد به صورت آگاهانه و ناآگاهانه قواعد، ارزش ها، آداب و رسوم و آرمان های جامعه خویش را می پذیرفت. با ظهور دنیای مدرن، نیازها زیادی بر بشر رخ نمود و نهادهای بسیار برای مدیریت این نیازها ایجاد گردید. نهادهای سیاسی، اقتصادی، اجتماعی، آموزشی و قضایی که وظیفه هر کدام مدیریت بخشی از نیازهای انسان مدرن بوده است. در این جامعه همه این نهادهای رسمی به علاوه نهادهای غیر رسمی، به صورت مستقیم و غیر مستقیم در حال آموزش و پرورش و تحمیل قواعد خود بر افراد و آحاد جامعه بوده و در

جامعه‌پذیری و قبول قواعد خود بر افراد در حال فعالیتند. از سوی دیگر با باز شدن فضای مدرن و با از دست رفتن استقلال فرهنگی و اقتصادی به واسطه ظهور استعمار و اقتصاد جدید و نیز با رخ نمودن رسانه‌ها و ابزارهای دیجیتال و ظهور شبکه‌های اجتماعی، آموزش و پرورش تعریف جدیدتری به خود یافته است. به نظر می‌رسد که عوامل مختلف و بی‌شماری مانند عوامل: ملی - داخلی و خارجی - بین‌المللی، فیزیکی آشکار و پنهان مجازی، فردی (سلبرتی‌ها) و گروه‌های اجتماعی در کار آموزش و پرورش افراد جامعه بخصوص کودکان و نوجوانانند. در چنین وضعیتی از نقش و تاثیر نهادهای سنتی مانند خانواده و مدرسه در آموزش پرورش کاسته شده است. به همین دلیل نقش معلمان و بویژه کسانی که در کار تربیت و پرورش جامعه و بخصوص نسل جوانانند، بسیار دشوار خواهد بود.

1- اهداف درس پرورشی:

- 1- آشنایی و انس با ارزش‌های اسلامی و عمل به آن.
- 2- شناخت استعدادها و تلاش در راه شکوفایی آنها.
- 3- آشنایی با حقوق خود و دیگران.
- 4- رشد شخصیت و اعتماد به نفس.
- 5- رشد سعه صدر و بردباری.
- 6- ایجاد تنوع، نشاط، پویایی.
- 7- خلاقیت، نوآوری، تحرک.
- 8- مسئولیت‌پذیری، انضباط فردی و گروهی.
- 9- رشد مشارکت، همیاری، همکاری.

2- اهم برنامه های پرورشی در مدارس ایران:

- 1- مراسم آغازین (قرآن و ترجمه، مراسم پرچم، صلوات خاصه، دعای فرج و...)
- 2- برگزاری مناسبت‌ها: شامل بزرگداشت مراسم ملی و مذهبی.
- 3- اقامه نماز جماعت

- 4- تشکیل گروهها و تشکلهای دانش آموزی: شامل شورا، (پیشنان، فرزنانگان) بسیج، هلال احمر
- 5- فعالیت‌های خارج از آموزشگاه: نماز جمعه، اردو، بازدید علمی و راهپیمایی
- 6- برگزاری مسابقات در رشته‌های زیر:
قرآن (قرائت، حفظ، مفاهیم و قصص) نهج البلاغه، احکام، اذان، شعر، قصه، کتابخوانی، سرود، نمایش، هنرهای تجسمی (خطاطی، نقاشی و طراحی) هنرهای دستی (سفالگری، گلیم بافی، جاجیم بافی، معرق کاری و...) روزنامه دیواری، نشریه، هنرهای قرآنی و.. می‌باشد.
- 7- برنامه‌های پیشنهادی دیگر مدرسه و دانش آموزان مانند جلسات (قرآن، دعا، افطاری و..)
- 8- توصیه به خوش خطی، تمیزی. رنگ آمیزی، سلیقه و ابتکار، رعایت موضوعات و تلاش بیشتر
- 9- آزمون و ارزشیابی

3- نقش مدرسه در تربیت و پرورشی دانش آموزان:

یکی از کارهای عمومی آموزش و بخصوص پرورش، اجتماعی کردن و تربیت اجتماعی کودکان و نوجوانان و درونی کردن مفاهیم این حوزه است؛ از جمله خودکفایتی، ابراز وجود، استقلال، خودپنداری، خودرهبی، رقابت، همکاری، نوع دوستی و هویت جویی و ده ها مولفه دیگری که به نوعی شخصیت اجتماعی کودکان را شکل می‌دهد. کودکان و نوجوانان در سنین بین 6 تا 18 سالگی به طور متوسط 8 تا 10 ساعت را در مدرسه می‌گذرانند. پس از خانواده، مدارس کانون اصلی زندگی به شمار می‌رود و فعالیت‌های مدرسه‌ای در زندگی این گروه سنی به صورت فعالیت اصلی در می‌آید. در کنار فعالیت‌های رسمی در مدارس می‌توان برای دانش‌آموزان فعالیت‌های تربیتی (پرورشی) و اجتماعی تدارک دید. تا چندی پیش مدرسه را تنها جایگاه مطالعه و کسب معلومات و انتقال دهنده آموزش از معلمان به دانش‌آموزان می‌دانستند، ولی امروزه روشن شده است که مدرسه شکل دهنده ساختار درونی و شخصیتی دانش‌آموز به شمار می‌آید، که دانش‌آموز در آنجا شایستگی، شکست، موفقیت، انزوا، محبوبیت و طرد را تجربه می‌کند. کمک به رشد ابعاد گوناگون هویت دانش‌آموزان، از جمله هویت فردی-اجتماعی و هویت دینی از رسالت‌های محوری امور تربیتی (پرورشی) است.

4- پرورش و جامعه پذیری:

اجتماعی کردن افراد جامعه از طریق نهادهای رسمی و غیررسمی صورت می پذیرد، یکی از نهادهای رسمی در این امر نهاد آموزش و پرورش است، کارکردهای مهم و عمومی آموزش و پرورش، اجتماعی کردن افراد جامعه است که در ادامه به برخی از مهمترین آثار جامعه پذیری اشاره می شود:

4-1- نقش پرورش و جامعه پذیری در نهادینه کردن قواعد و نظامات اجتماعی:

یکی از مقاصد پرورش و جامعه پذیری آموزش قواعد و نظامات اساسی است؛ از آداب و عادات و رفتار روزمره گرفته تا آموزش قواعد و قوانین اجتماعی و حتی جهانی. رفتار نامنظم و خلاف قاعده، معمولاً از انگیزه های پنهان و ناگهانی یا محرک آنی ناشی می شود. چنین رفتاری، نتایج و خشنودی های آتی را در مقابل لذات و رضایتمندی های آنی و گذرا، نادیده می گیرد. برعکس، رفتار مبتنی بر نظم و انضباط، به منظور پذیرش اجتماعی یا برای دستیابی به یک هدف آتی، خشنودی های آتی و گذرا را به تعویق انداخته، آنها را تعدیل و تحدید می کند. خلاصه انضباطی که طی فراگرد اجتماعی شدن در رفتار ایجاد می شود، ممکن است سطحی یا عمیق باشد. در این میان مدرسه به تنهایی از عهده این مهم برنمی آید و نقش مدرسه به همراه دیگر نهادهای غیر رسمی مانند خانواده و فرهنگ جامعه و حتی فرهنگ جهانی مهم است. در دنیای مدرن برای ایجاد نظم و قانون گرایی، علاوه بر مدرسه و خانواده، نقش دیگر کنترل اجتماعی و نهادهای نظارتی رسمی و غیر رسمی مهم است؛ به عنوان نمونه، نقش نهاد دین با آشنایی دانش آموزان با فواید امر به معروف و منهی از منکر، نقش نهادهای انتظامی از طریق آموزش های قواعد انتظامی مربوط به نظم اجتماعی، نقش نهادهای قضایی از طریق آموزش قواعد حقوقی مدنی و کیفری، نقش نهادهای اقتصادی از طریق آموزش قواعد اقتصادی مانند اهمیت کسب و کار و اعطای مالیات، نقش نهادهای غیر رسمی مردمی و اجتماعی از طریق آموزش مهارت های ارتباطی و آشنایی افراد با انضباط اجتماعی، نقش نهادهای زیست محیطی در آشنایی با قواعد زیست محیطی و اهمیت آنها و.. از این روی متولیان امر آموزش نباید بگذارند که فرد این نظم های اجتماعی را به صورت تجربی و با گذشت زمان و بعضاً با ورود به روابط غیرقانونی انجام دهند. بلکه باید دانش آموزان با اصول این قواعد و اهمیت آنها آشنا شوند، برای این منظور و برای پرورش شهروندانی آگاه و با دانش، مسئولیت پذیر و وظیفه شناس باید اولیاء مدارس از مدیران و کارشناسان این نهادها دعوت نموده که به طرق مختلف دانش آموزان را با قوانین نهادها و نظامات اجتماعی آشنا سازند.

چرا که جامعه ی آینده بیش از مهندس، دکتر و معلم به شهروندانی نیازمند است، که فرایند قانون مداری و اجتماعی شدن را قبلاً گذارنده اند و آماده ایفای نقش های با کیفیت خود در جامعه می باشند. و گرنه کار ما

در جامعه‌ی پیچیده‌ی مدرن به بی‌نظمی و بی‌سامانی و تزلزل تصمیم‌های خرد و کلان خواهد کشید و افراد برای رسیدن به مقاصد خود دائماً در پی دور زدن نظامات و قواعد اجتماعی خودند؛ و از خودبیگانگی جای استقلال و اعتماد به نفس، بی‌نظمی جای نظم، رانت جای ضابطه و قاعده، اختلاس جای تولید ثروت و دلالی جای کسب و کار را خواهد گرفت.

4-2- نقش پرورش و جامعه‌پذیری در آموزش مهارتها:

هدف دیگر فراگرد پرورش و جامعه‌پذیری، آموختن مهارت‌ها است. با اکتساب و یادگیری مهارتهاست که افراد می‌توانند، در جامعه، منشأ اثر واقع شوند. در جامعه‌های سنتی، امور زندگی، از طریق تقلید و تکرار آموخته می‌شد. در جوامع امروز، یادگیری مهارت‌های انتزاعی خواندن و نوشتن و مهارت‌های دشوار دیگر، از راه آموزش و پرورش رسمی، مهمترین وظیفه اجتماعی کردن است.

4-3- نقش پرورش و جامعه‌پذیری در ایجاد هویت و تحرک اجتماعی:

فراگرد جامعه‌پذیری به همان میزان که عادات و رفتار فرد را مطابق هنجارهای اجتماعی، تحت نظم و انضباط در می‌آورد، به او امید و آرزو می‌دهد. انضباط به خودی خود، وقتی برای فرد شاق و بی‌پاداش باشد، تحمل سوز است. جامعه‌پذیری، به تدریج، به هر یک از اعضای خود، خواستها و آرزوهایی، در خور پایگاههایی که با توجه به جنس، سن، وابستگی گروهی یا منشأ خانوادگی اشغال خواهند کرد، القا می‌کند. فراگرد جامعه‌پذیری از طریق برآوردن خواست‌ها، آرزوها، امیدها و سودهای فردی یا ممانعت از دستیابی بدانها برای فرد هویت می‌آفریند. در گذشته، هر فردی هویت خود را بنا به سابقه خانوادگی و طبقه اجتماعی به دست می‌آورد، مثلاً، بسیاری از فرزندان طبقه اشراف انگلستان، زمانی آداب معاشرت مربوط به طبقه خود را از خدمه مخصوصی می‌آموختند. ولی دانستن این آداب معاشرت نمی‌توانست خدمه مذکور را چه از نظر خود و چه از نظر دیگران، در شمار اشراف زادگان و نجبا در آورد. پرورش و تربیت در فرآیند جامعه‌پذیری باعث می‌شود که تحرک اجتماعی افراد جامعه بالا رفته و فرد توانایی این را می‌یابد که علاوه بر ایفای نقشهای متعدد بتواند دارای تحرک اجتماعی باشد و بتواند ارتقای شغلی و اجتماعی یابد.

5 - رابطه پرورش و خلاقیت:

تفکر خلاق عبارت است از تحولات دامنه دار و جهشی در فکر و اندیشه انسان، به طوری که حائز یک توانایی در ترکیب عوامل قبلی به طُرُق جدید باشد. به تعبیری دیگر، یعنی به کارگیری کامل توانایی های ذهنی برای ایجاد یک فکر یا راه حل یا مفهوم نو نسبت به خود شخص خلاق. در این تعریف مفهوم “نو” محور اصلی تعریف را در بر می گیرد و با توجه به آن، برای دیگران توقع و انتظار ایجاد می شود. اما باید دانست که ممکن است یک راه حل، یک فکر و یا یک مفهوم برای دیگران جدید نباشد اما برای خود شخص خلاق، جدید و نو باشد. پس جدید بودن نسبت به خود شخص مهم است نه نسبت به دیگران.

با این بیان معلوم می شود که همه انسان ها بنا به اصل تفاوت های فردی که دارند، دارای خلاقیت و نوآوری هستند و نباید تصور کرد که خلاقیت منحصر به افراد تیزهوش و با استعداد است. فقط مهم شکوفایی این استعدادهاست. این از حکمت خداوند است که همه افراد بتوانند در یک رشته دارای خلاقیت و تفکر خلاق باشند و هر کدام از طریقی به جامعه بشری خدمت نمایند.

خلاقیت مقدمه ظهور استعدادها و ذوق هاست و باب آن برای همه بشر باز است، مهم شناختن خود و حرکت به سمت این دریچه است. خلاقیت را می توان دیدن چیزها از یک منظر غیر معمولی و نو، توجه به مسائل از زاویه ای که هیچ کس دیگر نمی بیند و سپس ارائه راهکارهای جدید، غیرمعمولی و اثربخش دانست.

از تعریف بالا معلوم می شود که در مورد مفهوم خلاقیت توافق عمومی وجود ندارد. خلاقیت را می توان تولید اندیشه، راهکار و مفاهیم غیرمعمول دانست که از دیدن، الهام گرفتن و تشابه سازی مخصوص حاصل می شود. ممکن است نتیجه ای منفی و یا مثبت داشته باشد. حتی می تواند سرودن یک بیت شعر بی همتا باشد.

5-1- نقش تربیت در ظهور خلاقیت:

در ظهور خلاقیت هر چند فرد نقش اول را دارد، اما بستر خانوادگی و اجتماعی و بخصوص نهاد آموزشی با بررسی شیوه های مختلف و نیز اجرای آنها و نیز با دخیل کردن افراد جامعه در امر آموزش و پرورش می تواند به ظهور خلاقیت در فرد کمک نماید. برای پرورش خلاقیت باید کارهایی انجام شود که از طرفی دانش و تجربه فرد را که به عنوان ماده خام خلاقیت هستند بالا ببرد و از طرف دیگر شیوه تفکر آنها را اصلاح و هدایت کند و از سویی قدرت تخیل را بهبود بخشیده و امکان تصوری سازی به فراگیران را بدهد.

خلاقیت نوعی تکاپوی فکری و ذهنی برای دست یابی به اندیشه‌های بدیع است. پس کارهایی که بتواند ذهن را در این راستا به تکاپو وادارد و به ما فرصت اندیشیدن و تبلور آن را در جهان خارج بدهد، موجب افزایش خلاقیت می‌شود.

5-2- روشهایی ایجاد و تقویت خلاقیت:

روشهای ایجاد خلاقیت در هر دوره‌ای با دوره دیگر متفاوت است، در دوران سنت خلاقیت در حد ساخت ابزار ساده و برآوردن نیازهای ضروری بود، ولی با ظهور دنیای مدرن و سیل بروز نیازها جدید و ورود ابزارهای متنوع و لزوم بهره‌گیری و برزورسانی آنها و کشف فضاهای جدید، خلاقیت نقش اساسی و با اهمیتی در زندگی فرد مدرن ایفا نموده است. فلذا پرورش خلاقیت در نهادهای آموزشی از سطح پیش دبستانی تا سطوح عالی دانشگاه باید مد نظر اصحاب آموزش و بخصوص پرورش باشد. در ادامه به برخی از روشهای ایجاد و تقویت قوه خلاقیت اشاره می‌شود.

الف- ورزش و تقویت ذهنی:

نقش ورزش در خلاقیت بسیار مهم است، همانطور که ذهن در حین آموزش جدی درگیر افکار و قواعد میشود، در حین فعالیتهای غیر جدی مانند، بازی و شادی نیز ذهن به خلاقیت می‌رسد، چرا که خیال با بازی و شادی متعادل و متناسب رابطه مستقیم دارد، فلذا اهمیت به ساعت ورزش یکی از بهترین راههای ظهور خلاقیت در دانش آموز است. در زندگی عادی نیز گاهی اوقات هر قدر تلاش می‌کنید و به ذهن خود فشار می‌آورید، حتی یک فکر کوچک خلاقانه نیز جرقه نمی‌زند. در این مواقع بهتر است به سراغ ورزش‌هایی مانند پیاده روی، یوگا یا سایر ورزش‌ها بروید و در حین ورزش سعی کنید، به ایده‌هایی جدید دست بیابید. این کار نوعی استراحت ذهنی است که غیرمستقیم شما را در مسیر خلاقیت قرار می‌دهد.

ب) یادداشت برداری:

نوشتن کمک می‌کند آزادانه خود را بروز دهیم، به وضوح و روشنی نسبت به خود و اهدافمان دست یابیم و ایده‌های جدید خلق کنیم. فقط شروع کنید به نوشتن و به این فکر نکنید که می‌خواهید چه بنویسید یا چقدر خوب می‌توانید کلمات را روی کاغذ بیاورید. خود را ویرایش نکنید، فقط بنویسید. اگر نیاز به فکر

کردن بیشتر دارید، می‌توانید کلمات یا عباراتی، چون اهداف، نقاط قوت من و ... بنویسید و سپس از همان جا شروع کنید. برای این منظور معلمان و اولیاء علاوه بر ساعت انشاء باید بر روی مهارت نوشتن آزادانه و غیر تکلیفی که منجر به مهارت فکر کردن میشود، اهمیت بیشتری بدهند و با بررسی و دواری و تشویق نوشته‌ها آنها به ظهور قوه خلاقیت دانش آموزان کمک نمایند.

(ج) ساختن ترکیبات جدید:

برای تقویت خلاقیت افکار، ایده‌ها، تصاویر و اندیشه هایتان را ترکیب کنید و دوباره ترکیب کنید و آن‌ها را بصورت ترکیبات مختلف درآورید، هر چند که طبیعی و مناسب نباشند. قانون‌های توارث که علم جدید ژنتیک برپایه آن قرار داده شده توسط راهب استرالیایی گریگو مندل مطرح شده که ریاضیات و بیولوژی را برای ایجاد یک علم جدید با هم ترکیب کرد. برای این منظور باید در مدارس ساعات دروس جمعی برگزار شود که در آن معلمان بین درسهای مختلف ارتباط برقرار نمایند، و یا کلاس‌های درس را به صورت جمعی برگزار نمایند، یعنی معلم منطق و فلسفه به‌همراه معلمان دینی، علوم اجتماعی و سواد رسانه‌ای و کارآفرینی در ساعتی از هفته کلاس را به صوت جمعی برگزار نمود و مسئله‌ای را مطرح نموده و از دانش آموزان بخواند از زوایای مختلف به آن نگریسته و نظر دهند و معلمان نیز به ترکیب و جمع بندی مباحث پردازند، در دانشگاه‌ها نیز ایجاد رشته‌های بین رشته‌ای می‌تواند به ترکیب تفکرات مختلف کمک نماید.

(د) توسعه تجارب گوناگون:

تجربه را می‌توان از انجام کارهای متنوع و مخاطره انگیز، مانند مسافرت مخصوصاً با شرایط سخت و مصیبت بار و سفر به مکان‌های دور افتاده، تماس‌های شخصی با دیگران بویژه کودکان، خواندن شرح حال افراد، گوش کردن رادیو و ... به دست آورد. برای این منظور اولیا و معلمان باید فضا و فعالیت‌هایی را برای انجام و کسب تجارب گوناگون برای دانش آموزان فراهم نمایند. مانند اردوها و مسافرت‌های علمی، تفریحی، سیاحتی و زیارتی

(ه) انجام بازی‌های مختلف:

هر چقدر بیشتر شبیه کودکان باشیم، خلاقیت تمان افزایش می‌یابد. برای این منظور باید مدارس و خانه‌ها از اسباب‌بازی‌ها و وسایل هنری مناسب و متناسب با فرهنگ خودی برای تحریک قدرت تصور و خیال‌پردازی استفاده کنند. اگر تهیه وسایل بازس هزینه بردار است مدارس میتوانند از ایده‌های خلاقانه مانند: نقاشی، طراحی و مسابقات حل معما و برگزاری سخنرانی و سایر مسابقات شفاهی استفاده نمایند.

(و) ارتباط با افراد مختلف:

برای ایجاد تغییر در خلاقیت، باید سعی کنیم که با افراد بیشتر و مثبتی در ارتباط باشیم؛ به خصوص با کسانی که با ما تفاوت دارند. سعی کنیم بخشی از زمان خود را با افرادی بگذرانید که سبک زندگی و دید آنها نسبت به دنیا، با شما تفاوت دارد. با این کار، ذهن خود را گسترش داده و افق‌های جدید و تجربه‌های جدیدی به تجربیات قبلی خود اضافه می‌کنیم. برای ملاقات افراد جدید، در رویدادها و فعالیت‌های اجتماعی **مختلفی** شرکت کنیم که در برنامه‌ی روزمره‌ی زندگی شما جای ندارند و تجربه‌هایی کاملاً جدید هستند. هر زمان که فرصت کافی داشتید، با دیگران ارتباط برقرار کنیم. مثلاً اگر دنیای هنر برای مان جدید است، به موزه‌ها و گالری‌های هنری سر بزنیم و با هنرمندان و سایر افراد حاضر در گالری سر صحبت را باز کنید. در جامعه دینی دیدار با رجال دینی و متفکر و دادن فرصت به دانش‌آموزان برای سؤال و به چالش کشاندن آنها می‌تواند به سؤالات خاموش فرد اجازه بروز داده و او در آینده با دید مثبت تری به دین نگاه خواهد نمود.

(ز) مطالعه و کتابخوانی:

کتاب خواندن، یکی از روش‌های عالی برای پرورش ذهن خلاق است. عادت مطالعه باید را باید به طور پیوسته را در خودتان و دانش‌آموزان پرورش داد. کتاب‌هایی از موضوعات مختلف انتخاب کنید و سبک‌های مختلف نویسندگی را بخوانید. برای اینکه افق‌های خلاقیت‌تان را گسترده‌تر کنید حتماً هر روز برای مطالعه وقت بگذارید. در برنامه‌های مطالعه‌ی گروهی شرکت کنید. این برنامه‌ها برای ملزم کردن شما به مطالعه و انتخاب کتاب و موضوع مناسب بسیار مفید هستند. اولیاء مدارس علاوه بر اینکه خود باید در نزدیک‌ترین کتابخانه‌ی محل زندگی‌شان عضو شوند، دانش‌آموزان را نیز بابت این کار تشویق نموده و حتی نمره‌ای نیز در نظر بگیرند.

6- پرورش و آشنایی با سواد مجازی و تربیت رسانه‌ای و تفکر انتقادی:

یکی از وظایف مهم نهادهای آموزشی و پرورش رسمی و غیررسمی، در دنیای مدرن و عصر رسانه آشنایی دانش آموزان با فضای حاکم بر دنیای جدید است. در دنیای مدرن، سواد رسانه‌ای برای جوانان به اندازه سواد خواندن و نوشتن سنتی با ارزش است، سواد رسانه‌ای به دنبال شناخت ماهیت رسانه، و هویت پیام‌های آنها از جهت محتوی، منبع و هدف است و آشنایی با تاثیرات رسانه بر شخصیت فرد و سبک زندگی انسانهاست. سواد رسانه ای توانایی بررسی، تجزیه و تحلیل پیام هایی که اطلاع دهنده و سرگرم کننده هستند و هر روز به ما عرضه می‌شوند. سواد رسانه ای توانایی استفاده از مهارت‌های تفکر انتقادی و رابطه آن با تمام رسانه هاست و طرح سوالات مناسب پیرامون آنچه وجود دارد و دیده می شود و توجه کردن به آنچه که دیده نمی‌شود. هدف از آموزش سواد رسانه ای کمک به شهروندان است برای آن که بتوانند عادت پرسشگری، تحقیق، پژوهش و توانایی و مهارت های بیانی خود را تقویت کرده و مهارت های لازم جهت برقراری ارتباطی متفکرانه و آگاهانه با رسانه و در عین حال به وجود آوردن نگاهی دقیق، نقادانه و تحلیلی به پیام های رسانه ای را فراهم آورد. از این منظر سواد رسانه‌ای می‌تواند با برخورد هدفمند و نقد سازنده، ضمن ایجاد ارتباط دو سویه و مشارکت جویانه، حوزه آموزش را با تحولی جدی و جدید مواجه سازد؛ زیرا دیگر مخاطب منفعل نیست و ارتباط دو سویه و تعاملی خواهد بود.

6-1- ویژگیهای شخص دارای تفکر انتقادی و سواد رسانه‌ای:

- ❖ از رسانه‌ها عاقلانه، هدفمند، با مدیریت، برنامه ریزی و به طور موثر استفاده می کنند.
- ❖ وقتی پیام های رسانه ای را ارزیابی می کند در تفکر انتقادی شرکت می کند.
- ❖ اعتبار اطلاعات را از منابع مختلف ارزیابی و صرفا به یک منبع اطلاعاتی اکتفا نمی کند.
- ❖ قدرت پیام رسانه ای را درک و می داند که چطور آنها را " آگاهانه تر " بخواند، ببیند یا بشنود.
- ❖ از تاثیر رسانه‌ها بر شکل گیری عقاید، باورها، ارزشها و رفتارها آگاهی دارد.
- ❖ از جهان متکثر و متنوع فرهنگی آگاه است و دیدگاه های مختلف را ارج می نهد.

❖ عقاید، دیدگاه‌های خود را واضح و خلاقانه با استفاده از اشکال مختلف رسانه ای بیان می‌کند.

7-تعریف جدید سازمانهای بین المللی از سواد:

Page | 11

یکی از مهمترین مولفه های تربیت و پرورش به روز بودن و استفاده از آخرین روشها و شیوه های تربیت و پرورش شهروندان است، به طور که یکی از معیارها توسعه یافتگی کشورها پیشگام بودن متولیان امر آموزش در استفاده از آخرین اطلاعات و داده های موجود در فضای جهانی برای پیشرو بودن و توسعه است در زیر به تعاریف مختلف سواد که منجر به تربیت و بهبود زندگی می شود، اشاره شده است:

7-1- تعریف سواد از نظر یونسکو:

به تازگی سازمان آموزشی، علمی و فرهنگی ملل متحد، تعریف جدیدی از باسوادی ارائه داده است. شاید برای تان جالب باشد که بدانید مفهوم سواد در قرن گذشته، تغییرات بسیاری کرده است و این چهارمین تعریف سواد است که توسط یونسکو به صورت رسمی اعلام می‌شود. به طور خلاصه و طبق این تعریف، باسواد کسی است که بتواند از خوانده‌ها و دانسته‌های خود تغییری در زندگی خود ایجاد کند .

با تعریف جدیدی که یونسکو ارائه داده باسوادی، توانایی «تغییر» (Change) است و باسواد کسی است که بتواند با آموخته‌هایش، تغییری در زندگی خود ایجاد کند.

در ادامه و بعد از مروری کوتاه بر تعاریف سواد از ابتدا تا امروز، نکاتی درباره ایجاد تغییر در زندگی بر اساس دانسته‌ها و راهکارهای دست‌یابی به این مهم، مطرح خواهیم کرد.

7-2- تعاریف مختلف از سواد:

الف- اولین تعریف

توانایی خواندن و نوشتن: اولین تعریفی که از سواد در اوایل قرن بیستم ارائه شد، صرفاً به توانایی خواندن و نوشتن زبان مادری معطوف بود. طبق این تعریف، فردی با سواد محسوب می‌شد که توانایی خواندن و نوشتن زبان مادری خود را داشته باشد.

ب- دومین تعریف:

اضافه شدن یاد گرفتن رایانه و یک زبان خارجی: در اواخر قرن بیستم، سازمان ملل تعریف دومی از سواد را ارائه کرد. در این تعریف جدید، علاوه بر توانایی خواندن و نوشتن زبان مادری، توانایی استفاده از رایانه و دانستن یک زبان خارجی هم اضافه شد. بدین ترتیب به افرادی که توان خواندن و نوشتن، استفاده از رایانه و صحبت و درک مطلب به یک زبان خارجی را داشتند، باسواد گفته شد. قاعدتا طبق این تعریف بسیاری از دانشجویان و دانش‌آموختگان دانشگاهی کشور ما بی‌سواد محسوب می‌شوند چون دانش زبان خارجی بیشتر افراد کم است.

ج- سومین تعریف

اضافه شدن ۱۲ نوع سواد: سازمان ملل در دهه دوم قرن ۲۱، باز هم در مفهوم سواد تغییر ایجاد کرد. در این تعریف سوم کلا ماهیت سواد تغییر یافت. مهارت‌هایی اعلام شد که داشتن این توانایی‌ها و مهارت‌ها مصداق باسواد بودن قرار گرفت. بدین ترتیب شخصی که در یک رشته دانشگاهی موفق به دریافت مدرک دکترا می‌شود، حدود ۵ درصد با سواد است. این مهارت‌ها عبارت اند از:

(۱) سواد عاطفی: توانایی برقراری روابط عاطفی با خانواده و دوستان

(۲) سواد ارتباطی: توانایی برقراری ارتباط مناسب با دیگران و دانستن آداب اجتماعی

(۳) سواد مالی: توانایی مدیریت مالی خانواده، دانستن روش‌های پس‌انداز و توازن دخل و خرج

(۴) سواد رسانه‌ای: این که فرد بداند کدام رسانه معتبر و کدام نامعتبر است

(۵) سواد تربیتی: توانایی تربیت فرزندان به نحو شایسته

(۶) سواد رایانه‌ای: دانستن مهارت‌های راهبری رایانه

(۷) سواد سلامتی: دانستن اطلاعات مهم درباره تغذیه سالم و کنترل بیماری‌ها

۸) سواد نژادی و قومی: شناخت نژادها و قومیت‌ها بر اساس احترام و تبعیض نگذاشتن

۹) سواد بوم شناختی: دانستن راه‌های حفاظت از محیط زیست

۱) سواد تحلیلی: توانایی شناخت، ارزیابی و تحلیل نظریه‌های مختلف و ایجاد استدلال‌های منطقی بدون تعصب و پیش فرض.

۱۱) سواد انرژی: توانایی مدیریت مصرف انرژی.

۱۲) سواد علمی: علاوه بر سواد دانشگاهی، توانایی بحث یا حل و فصل مسائل با راهکارهای علمی و عقلانی مناسب

از آن جا که با سواد بودن به یادگیری این مهارت‌ها وابسته شد، قاعدتا سیستم آموزشی کشورها هم باید متناسب با این مهارت‌ها تغییر رویه می‌داد که متأسفانه فعلا سیستم آموزشی کشور ما، هنوز هیچ تغییری در زمینه آموزش مهارت‌های فوق نکرده است

د- چهارمین و جدیدترین تعریف:

علم با عمل معنا می‌شود:

با این حال و به تازگی «یونسکو» یک بار دیگر در تعریف سواد تغییر ایجاد کرد. در این تعریف جدید، توانایی ایجاد تغییر، ملاک با سواد قرار گرفته است، یعنی *شخصی با سواد تلقی می‌شود که بتواند با استفاده از خواننده‌ها و آموخته‌های خود، تغییری در زندگی خود ایجاد کند.* در واقع این تعریف مکمل تعریف قبلی است زیرا صرفاً دانستن یک موضوع به معنای عمل به آن نیست. در صورتی که مهارت‌ها و دانش آموخته شده باعث ایجاد تغییر معنادار در زندگی شود، آن گاه می‌توان گفت این فرد، انسانی با سواد است.

اما چرا سوادمان باعث تغییر در زندگی مان نمی‌شود؟

آموزش حقوق بشر" با تاکید بر توانمند سازی مبتنی بر آگاهی و ارتقاء مطالبه گری شهروندان میتواند در راستای ایجاد تغییر در جوامع بشری و تحقق "همه حقوق همه" موثر باشد.

موفق و موید باشید.....

و با آرزوی قبولی طاعات شما معلمان گرامی و ارجمند:

راهبی را گفتند: روزه داری؟

گفت: روزه دارم به ذکر وی. چون دیگری را یاد کنم، روزه من گشاده گردد

رساله قشیریه